مطالبی در مورد سن ام المؤمنین
عایشه رضی الله عنها و
رد شبهات در این مورد

تحقیق:
آرمان کریمی



در این نوشتار سعی بر این داریم که در حد توان، از سنت و احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم آنگونه که شایسته است دفاع کرده و شبهات وارده را حول ساحت مقدسش بر طرف کنیم.

ابتدا باید گفت؛ این نوع شبهات جدید نبوده و از قدیم الأیام طاعنین در سنت و حجیت آن، دست به شبهه پراکنی زده و علمای ربانی اهل سنت نیز ازاله آن شبهات را کرده و حق را نصرت داده اند.

در این مورد هم می گوییم: هیچ عیب و زیانی نیست که پیامبر صلی الله علیه وسلم به سبب مصلحتی که انتظار داشت با شخصی مانند خدیجه رضی الله عنها ازدواج کند چرا که ازدواج؛ مملو از مصالح متقابل میان زوجین است. چنانکه معروف است، خدیجه رضی الله عنها بر ازدواج با پیامبر صلی الله علیه وسلم حریص بود چرا که در ایشان امانت و صفات زیبای انسانی را مشاهده کرده بود. و ازدواج ایشان با عایشه رضی الله عنها در سن و سال پایین رخ داد که مانند چنین ازدواج هایی در دوران جاهلیت بسیار معروف بود و اسلام نیز با آن مخالفت نکرد مادامی که از دختر خواستگاری شود و ولیّ دختر به آن راضی باشد. چنانکه عایشه رضی الله عنها قبل از رسول خدا صلی الله علیه وسلم؛ از طرف جبیر بن مطعم بن عدی خواستگاری شده بود و این ماجرا را طبری ، ابن کثیر و ابن سعد – در کتاب طبقات الکبری– ذکر کرده اند، اما پیامبر صلی الله علیه وسلم زمانی با ایشان زفاف کردند که توانایی و صلاحیت آن را پیدا کرده بود، چنانکه امام مسلم از زبان خود عایشه رضی الله عنها آن را نقل کرده است.

لازم به ذکر است که سن ۹ سالگی در بسیاری از کشورها سن قانونی و از نظر جسمی آمادگی لازم برای جماع را دارد.

ترمذی در سنن خود (٢٩٨/٤) از خود عایشه رضی الله عنها روایت می کند که فرمود: « إِذَا بَلَغَتْ الْجَارِيَةُ تِسْعَ سِنِينَ فَهِيَ امْرَأَةٌ »

یعنی: هنگامی که دختر به سن ۹ سالگی رسید او زنی کامل است. و این به معنی سن دقیق حیض و مکلف بودن نیست بلکه معنی آن (غالباً) صلاحیت یک دختر برای ازدواج در این سن است که می توان گفت سن رسیدن به تکلیف نیز می باشد.

ابن قدامه رحمه الله در المغنی (٢٦٤/١) می فرماید: « وَالْمُرَادُ بِهِ حُكْمُهَا حُكْمُ الْمَرْأَةِ وَهَذَا قَوْلُ الشَّافِعِيّ »

یعنی: مراد از قول عایشه رضی الله عنها این است که حکمش حکم یک زن را دارد و این قول شافعی نیز می باشد.

شیخ مبارکفوری در تحفة الأحوذي (٢٠٨/٤) می فرماید: « كَأَنَّ عَائِشَةَ أَرَادَتْ أَنَّ الْجَارِيَةَ إِذَا بَلَغَتْ تِسْعَ سِنِينَ فَهِيَ فِي حُكْمِ الْمَرْأَةِ الْبَالِغَةِ لِأَنَّهُ يَحْصُلُ لَهَا حِينَئِذٍ مَا يُعْرَفُ بِهِ نَفْعُهَا وَضَرَرُهَا مِنَ الشُّعُورِ وَالتَّمْيِيزِ »

یعنی: گویی که عایشه می گوید: جاریه زمانی که به سن ۹ سالگی رسید؛ حکم یک زن بالغ را دارد چرا که با درک و تمییز خود؛ نفع و ضررش را تشخیص دهد.

نزد عرب هم چنین بوده که زن در عرف آنها بعد از سن ۹ سالگی شناخته میشده به همین دلیل هیچ یک از مشرکین آن زمان که شدیدترین دشمنی با پیامبر صلی الله علیه وسلم را داشتند؛ هرگز با طعنه و کنایه پیامبر را سرزنش نکردند که چرا با یک دختر کم سن و سال ازدواج کرده است؟!

این در حالی است که مشرکین به دنبال کوچکترین بهانه بودند تا از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقطه ضعف بگیرند و او و اصحابش را با آن سرزنش و ملامت کنند. پس معلوم می شود که این جزو عرف و عادات آن زمان بوده است.

اما اینکه روایات تاریخی ای وجود دارد که در این مورد با هم اختلاف دارند؛ باید گفت که مقتضای تدوین تاریخ ، تراث و فرهنگ چنین است. اما اسلام با علم إسناد که خداوند متعال با آن این امت را

از سایر امم متمایز کرد و بر او منت نهاد؛ می تواند روایات را به وادی نقد بکشاند و صحیح را از سقیم غربال کند. چنانکه مستشرقی به نام مارگیلیوس می گوید: مسلمانان باید به علم حدیثشان افتخار کنند.

احادیث وارده در این موضوع

تحدید سن عایشه رضی الله عنها زمان ازدواج با پیامبر صلی الله علیه وسلم به شش سال و زمان زفاف با ایشان در سن نُه سالگی اجتهاد علماء نیست تا اینکه گفته شود احتمال خطا و صواب دارد! بلکه نقل خبری است که صحت آن اثبات شده و واجب است تسلیم آن شد.

۱- از خود عایشه رضی الله عنها نقل شده و سخن ایشان مانند یک مؤرخ و یا شخص دیگر نیست بلکه از نفس خود خبر می دهد:

« تَزَوَّجَنِي النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم ، وَأَنَا بِنْتُ سِتِّ سِنِينَ، فَقَدِمْنَا الْمَدِينَةَ، فَنَزَلْنَا فِي بَنِي الْحَارِثِ بْنِ خَزْرَجٍ، فَوُعِكْتُ فَتَمَرَّقَ شَعَرِي، فَوَفَى جُمَيْمَةً، فَأَتَتْنِي أُمِّي، أُمُّ رُومَانَ، وَإِنِّي لَفِي أُرْجُوحَةٍ، وَمَعِي صَوَاحِبُ لِي، فَصَرَخَتْ بِي فَأَتَيْتُهَا لاَ أَدْرِي مَا تُرِيد بِي؛ فَأَخَذَتْ بِيَدِي حَتَّى أَوْقَفَتْنِي عَلَى بَابِ الدَّارِ، وَإِنِّي لأَنْهَجُ حَتَّى سَكَنَ بَعْضُ نَفَسِى، ثُمَّ أَخَذَتْ شَيْئًا مِنْ مَاءٍ فَمَسَحَتْ بِهِ وَجْهِي وَرَأْسِي، ثُمَّ أَدْخَلَتْنِي الدَّارَ، فَإِذَا نِسْوَةٌ مِنَ الأَنْصَارِ فِي الْبَيْتِ، فَقُلْنَ: عَلَى الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ، وَعَلَى خَيْرِ طَائِرٍ؛ فَأَسْلَمَتْنِي إِلَيْهِنَّ، فَأَصْلَحْنَ مِنْ شَأْنِي، فَلَمْ يَرُعْنِي إِلاَّ رَسُولُ اللهِ – صلى الله عليه وسلم – ضُحًى، فَأَسْلَمَتْنِي إِلَيْهِ، وَأَنَا يَوْمَئِذٍ بِنْتُ تِسْعِ سِنِينَ »

رواه البخاري (٣٨٩٤) ومسلم (١٤٢٢) .

ترجمه: شش ساله بودم که پیغمبر – صلی الله علیه وسلم – مرا عقد نمود، (و بعد از هجرت پیغمبر – صلی الله علیه وسلم – و ابو بکر با مادرم امّ رومان و خواهرم اسماء) به مدینه آمدیم، و مهمان پسران حارث بن خزرج شدیم، مبتلا به تب شدم و موهای سرم ریزش نمود، بعداً بهبود یافتم و موهایم مجدداً رشد کردند تا اندازه ای که به میان شانه هایم می رسید، با چند دختری که رفیق بودیم بازی می کردیم و طنابی را به چوبی بسته بودیم و دو نفر بر دو سر آن چوب نشسته بودیم و يك ديگر را بسوی خود

تکان می دادیم، در این اثنا مادرم امّ رومان آمد و مرا صدا کرد، من هم به نزد مادرم رفتم و نمی دانستم که چه کاری با من دارد، دستم را گرفت و رفتیم تا اینکه به در خانه رسیدیم ومرا در آنجا نشاند. از خستگی بلند نفس می کشیدم و نشستم تا اینکه نفسم آرام شد، سپس مادرم مقداری آب برداشت و بر سر و صورتم پاشید آنگاه وارد منزل شدیم، دیدم چند زن انصاری نشسته اند، همینکه مرا دیدند گفتند: مبارك است و (ان شاءالله) با خیر و برکت همراه باشد، مادرم مرا به این زنها سپرد، آنها هم سر و صورت و وضعیت لباسم را اصلاح و مرتب کردند، و هیچ چیزی برایم غیر عادی نبود جز اینکه پیغمبر صلی الله علیه وسلم به هنگام چاشت آمد، و مادرم مرا به او تحویل داد و من در آن هنگام نه ساله بودم».

این روایت از عایشه رضی الله عنها در صحیح ترین کتُب بعد از قرآن روایت شده اند و در نهایتِ صحت می باشند.

و این روایت از چندین طریق از عایشه رضی الله عنها روایت شده و تنها یک طریق واحد ندارد – چنانکه بعضی از جاهلان گمان کرده اند–.

طریق مشهور آن از روایت هشام بن عروة بن الزبیر از پدرش و او هم از عایشه رضی الله عنها می باشد. و این از صحیح ترین روایات و إسناد است. و عروة بن زبیر از آگاهترین اشخاص نسبت به عایشه رضی الله عنها می باشد چرا که عایشه خاله او است.

طریق دوم از روایت زهری می باشد که او نیز از عروة بن زبیر و او نیز از عایشه رضی الله عنها نقل می کند و این روایت در صحیح مسلم (١٤٢٢) روایت شده است.

طریق دیگر این روایت چنین است: أعمش عن إبراهیم عن الأسود عن عائشة رضی الله عنها: « أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَزَوَّجَهَا وَهِيَ بِنْتُ سَبْعِ سِنِينَ وَزُفَّتْ إِلَيْهِ وَهِيَ بِنْتُ تِسْعِ سِنِينَ » رواه مسلم (١٤٢٢) .

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه وسلم با او ازدواج نمود که سنش در این هنگام هفت سال و هنگام زفاف نُه سال داشتند.

طریق دیگر حدیث که همین معنا و مفهوم را بیان کرده إسنادش چنین است: عن محمد بن عمرو ، عن یحیی بن عبد الرحمن بن حاطب عن عائشة رضي الله عنها. رواه أبو داود (٤٩٣٧) .
و شیخ أبو إسحاق حوینی حفظه الله نامهای متابعین عروة بن زبیر را جمع کرده (کسانی که این روایت را مانند روایت عروة نقل کرده اند) و آنها: الأسود بن یزید ، والقاسم بن عبد الرحمن ، والقاسم بن محمد بن أبي بکر ، وعمرة بنت عبد الرحمن ، ویحیی بن عبد الرحمن بن حاطب می باشند.

و همچنین نام متابعین هشام بن عروة را در روایت این حدیث جمع نموده و آنها: ابن شهاب الزهري ، وأبو حمزة میمون مولی عروة می باشند. سپس راویانی که از هشام نقل کرده اند را اهل مدینه نام نهاده تا خواننده بداند این حدیث که هشام آن را نقل کرده از اهل مدینه بوده اند و آنها: أبو الزناد عبد الله بن ذکوان ، و پسرش عبد الرحمن بن أبي الزناد ، وعبد الله بن محمد بن یحیی بن عروة می باشند.

و از اهل مکه: سفیان بن عیینة و از اهل ری جریر بن عبد الحمید الضبي و از اهل بصره حماد بن سلمة ، وحماد بن زید ، ووهیب بن خالد و دیگران می باشند.

این تعداد فقط برای دفع شبهه از بعضی جُهال می باشد که می گویند: در نقل این روایت هشام بن عروة متفرد است (تنها او روایت کرده) در حالی که ثابت شد چنین نیست. و به فرض صحت اینکه هشام در آخر عمر خود دچار اختلاط شده باشد؛ اما باید دانست که این قول را تنها ابو الحسن بن قطان در کتاب معروف خود: " بیان الوهم والإیهام " گفته است اما براستی که در این مورد خطا کرده و رأی صواب نمی باشد.

امام ذهبی رحمه الله می فرماید: هشام بن عروة یکی از بزرگان اهل علم و حجت می باشد. اما دچار تناقض در حفظیاتش شده و آنهم در سن پیری بوده اما در احادیث هرگز دچار اختلاط نشده است و به گفته ابوالحسن بن قطان در این مورد توجهی نمی شود. سپس می گوید: هنگامی که او (هشام) در سن پیری به عراق رفت؛ از بسیاری از اهل علم روایت نقل کرده که بسیار جیّد نمی باشند اما باید دانست این حالت برای بزرگان ثقات و مورد اعتماد نیز رخ داده است مانند: مالک و شعبه و وکیع. و شایسته نیست ائمه کبار و حافظ و ثقه را با مختلطین و ضعفاء یکی دانست. " میزان الاعتدال " (٣٠١/٤-٣٠٢) .

همچنین افرادی غیر از خود عایشه رضی الله عنها سن ایشان را هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل کرده که به احوال او آگاه بوده اند.

امام احمد رحمه الله تعالی در مسند (٢١١/٦) با این إسناد نقل می کند: مُحَمَّدُ بْنُ بِشْرٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَلَمَةَ وَيَحْيَى قَالَا « لَمَّا هَلَكَتْ خَدِيجَةُ جَاءَتْ خَوْلَةُ بِنْتُ حَكِيمٍ امْرَأَةُ عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَا تَزَوَّجُ قَالَ مَنْ قَالَتْ إِنْ شِئْتَ بِكْرًا وَإِنْ شِئْتَ ثَيِّبًا قَالَ فَمَنْ الْبِكْرُ قَالَتْ ابْنَةُ أَحَبِّ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْكَ عَائِشَةُ بِنْتُ أَبِي بَكْرٍ...»

پس از وفات خدیجه رضی الله عنها حوله دختر حکیم همسر عثمان بن مظعون نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: ای رسول خدا آیا ازدواج می کنی؟ فرمود: با چه کسی؟ گفت: اگر بخواهی با یک دوشیزه و اگر هم خواستی با یک بیوه پیامبر فرمود: آن دوشیزه کیست؟ گفت: دختر کسی که نزد شما محبوبترین خلق خداست یعنی ابوبکر...سپس تفاصیل قصه را ذکر میکند و در آن آمده: هنگام ازدواج، عایشه رضی الله عنها شش سال داشت و هنگام زفاف نُه ساله بودند.

این روایاتی بود که عایشه رضی الله عنها از نفس خود خبر داده و همچنین راویانی که به حال او آگاه بودند نیز آن را نقل کرده اند و همچنین مصادر تاریخی نیز آن را تصدیق می کند و هیچگونه اختلافی با احادیث ندارند. باید گفت: این مسأله محل اجتهاد نبوده و کسی که از نفس خود خبر می دهد محلی برای اجتهاد علماء باقی نمی گذارد که اجتهاد کنند!

در اینجا به چند مورد از شبهات و ایرادات گرفته شده بر این موضوع اشاره می کنیم وسعی می کنیم جوابی قانع کننده به آنها بدهیم:

۱– گفته شده در روایاتی سن ازدواج عایشه رضی الله عنها ۷ سال ذکر شده و در روایت دیگر ۶ سال که این نشان از تناقض این دو روایت دارد!

جواب:

جواب این شبهه را از زبان علمای بزرگ اسلام نقل میکنیم: امام نووی رحمه الله در شرح مسلم (۲۰۶/۹) می فرماید:

« وَلَيْسَ فِي حَدِيثِ عَائِشَةَ تَحْدِيدٌ وَلَا الْمَنْعُ مِنْ ذَلِكَ فِيمَنْ أَطَاقَتْهُ قَبْلَ تِسْعٍ وَلَا الْإِذْنُ فيمن لَمْ تُطِقْهُ وَقَدْ بَلَغَتْ تِسْعًا قَالَ الدَّاوُدِيُّ وكانت عائشة قد شبت شبابا حسنا رضى الله عَنْهَا وَأَمَّا قَوْلُهَا فِي رِوَايَةٍ تَزَوَّجَنِي وَأَنَا بِنْتُ سَبْعٍ وَفِي أَكْثَرِ الرِّوَايَاتِ بِنْتُ سِتٍّ فَالْجَمْعُ بَيْنَهُمَا أَنَّهُ كَانَ لَهَا سِتٌّ وَكَسْرٌ فَفِي رِوَايَةٍ اقْتَصَرَتْ عَلَى السِّنِينَ وَفِي رِوَايَةٍ عَدَّتِ السَّنَةَ الَّتِي دَخَلَتْ فِيهَا وَاللَّهُ أَعْلَمُ »

ترجمه: در حدیث عایشه رضی الله عنها تحدیدی برای این سن وجود ندارد گرچه برای کسی که توانایی جسمی و روحی داشته باشد و سنش هم کمتر از ۹ سال باشد؛ منعی وجود ندارد و همچنین؛ برای کسی که توانایی آن را نداشته باشد حتی اگر به سن ۹ سالگی هم رسیده باشد؛ اجازه ندارد این کار را بکند. داودی گفته: عایشه رضی الله عنها در سن ۹ سالگی مانند جوانی نیکو شده بود. اما اینکه در روایتی فرموده است که پیامبر با من ازدواج کرد در حالی که ۷ ساله بودم و در اکثر روایات ۶ سالگی آمده جمع میان آنها چنین است که: ایشان ۶ سال و اندی داشتند که در روایتی فقط ۶ را فرموده و در روایت دیگر سالی را گفته که داخل در آن شده یعنی ۷ سالگی والله أعلم.

حافظ ابن حجر رحمه الله در الإصابة (۲۷/٤) می فرماید: « ولدت بعد المبعث بأربع سنين أو خمس فقد ثبت في الصحيح أن النبي صلى الله عليه وسلم تزوجها وهي بنت ست وقيل سبع ويجمع بأنها كانت أكملت السادسة ودخلت في السابعة »

ترجمه: ایشان ٤ یا ٥ سال بعد از بعثت پیامبر صلی الله علیه وسلم متولد شدند. در صحیح (بخاری و مسلم) آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم با ایشان ازدواج کردند در حالی که او شش ساله بود و گفته شده که هفت سال داشت و جمع میان این دو روایت چنین است که ایشان شش سالگی را تمام کرده و وارد هفتمین سال از عمر مبارکش شده بود.

إسناد تاریخی

مصادر تاریخی اتفاق دارند که عایشه رضی الله عنها چهار یا پنج سال بعد از بعثت متولد شدند. امام بیهقی رحمه الله می گوید:

عایشه رضی الله عنها در دوران اسلام بود که متولد شد چراکه پدرش ابوبکر رضی الله عنه در ابتدای بعثت مسلمان شده بود و از اسود ثابت است که عایشه رضی الله عنها در سن شش سالگی با پیامبر صلی الله علیه وسلم عقد کردند و زفاف آنها در سن نُه سالگی بوده است اما أسماء دختر ابوبکر در جاهلیت متولد شده و سپس به دست پدرش مسلمان شد. " السنن الکبری " (٦/٢٠٣) .

ذهبی رحمه الله می فرماید: عایشه رضی الله عنها در زمان اسلام متولد شد و هشت سال از فاطمه کوچکتر بود. و می گفت: « لَمْ أَعْقِلْ أَبَوَيَّ قَطُّ إِلا وَهُمَا يَدِينَانِ الدِّينَ » (روایت بخاری)

ترجمه: از زمانی که به خاطر دارم، پدر و مادرم، مسلمان بودند. " سير أعلام النبلاء " (٢/١٣٩) .

ابن حجر رحمه الله می فرماید: «ولدت بعد المبعث بأربع سنين أو خمس» " الإصابة " (٨/١٦)

ترجمه: عایشه رضی الله عنها چهار یا پنج سال بعد از بعثت متولد شد.

چنانکه تقي الدين المقريزي (المتوفى: ٨٤٥هـ) در إمتاع الأسماع (٦/٤٢) و حسين بن محمد بن الحسن الدِّيار بَكْري (المتوفى: ٩٦٦هـ) در تاریخ الخميس (١/٢٦٦) هم بیان کرده اند.

و طبق قول ابو نعیم؛ اسماء ١٠ سال قبل از بعثت متولد شد پس اختلاف سن او با عایشه ١٤ سال می باشد که همان قول ذهبی است که در ادامه خواهد آمد.

پس مشخص می شود سن ایشان هنگام هجرت؛ هشت یا نُه سال بوده است که مطابق با حدیثی است که خود ایشان در ابتدای بحث بیان داشتند و آن را برای خواننده ذکر کردیم.

همچنین مصادر تاریخی بر این متفق اند که هنگام وفات پیامبر صلی الله علیه وسلم؛ عایشه رضی الله عنها هجده سال سن داشتند، پس سن ایشان در اول هجرت نُه سال بوده است.

چنانکه کتُب سیره و تراجم نقل می کنند؛ عایشه رضی الله عنها در سن ٦٣ سالگی وفات کرد یعنی در سال ٥٧ هجری ، پس سن ایشان قبل از هجرت ٦ سال بوده است.

پس تفاوت سن اسماء و عایشه نیز مشخص می شود. امام ذهبی رحمه الله می فرماید: « وَكَانَتْ أَسَنَّ مِنْ عَائِشَةَ بِبِضْعَ عَشْرَةَ سَنَةً » اسماء از عایشه رضی الله عنهما بیش از ده سال بزرگتر بود! " سير أعلام النبلاء " (١٨٨/٢) . (و بضع در زبان عرب از ٣ تا ٩ می باشد)

و عائشه رضی الله عنها چنانکه بیان شد؛ چهار یا پنج سال بعد از بعثت متولد شده اند و ابونعیم (متوفی: ٤٣٠هـ) در مورد اسماء می گوید « وُلِدَتْ ....قَبْلَ مَبْعَثِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِعَشْرِ سِنِينَ » "معرفة الصحابة" (٣٢٥٣/٦)

یعنی: ده سال قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه وسلم متولد شده است.

پس تفاوت سن عایشه و اسماء رضی الله عنهما چهارده یا پانزده سال می باشد. و این همان کلام ذهبی است.

٢- شبهه دیگری که مطرح می کنند این است که: تفاوت سنی عایشه و اسماء فقط ده سال بود!

که در جواب می گوییم:

این استدلال از نظر سند ثابت نیست و اگر هم ثابت باشد؛ باید فهم آن را با ادله قطعی سابق مطابقت داد.

اما از نظر سند: این کلام از طریق عبد الرحمن بن أبي الزناد روایت شده که گفت: « كانت أسماء بنت أبي بكر أكبر من عائشة بعشر سنين » یعنی: اسماء دختر ابوبکر رضی الله عنه از عایشه ده سال بزرگتر بوده است.

این روایت از دو طریق از جهت أصمعی از عبد الرحمن بن أبي الزناد نقل شده است:

طریق اول:

آن را ابن عساکر در "تاریخ دمشق" (١٠/٦٩) چنین روایت کرده است: أخبرنا أبو الحسن علي بن أحمد المالكي ، أنا أحمد بن عبد الواحد السلمي ، أنا جدي أبو بكر ، أنا أبو محمد بن زبر ، نا أحمد بن سعد بن إبراهيم الزهري ، نا محمد بن أبي صفوان ، نا الأصمعي ، عن ابن أبي الزناد قال : سپس آن را ذکر می کند.

طریق دوم:

آن را ابن عبدالبر رحمه الله در " الاستيعاب في معرفة الأصحاب " (٦١٦/٢) چنین نقل کرده است: أخبرنا أحمد بن قاسم ، حدثنا محمد بن معاوية ، حدثنا إبراهيم بن موسى بن جميل ، حدثنا إسماعيل بن إسحاق القاضي ، حدثنا نصر بن علي ، حدثنا الأصمعي قال : حدثنا ابن أبي الزناد ، قال : قالت « أسماء بنت أبي بكر ، وكانت أكبر من عائشة بعشر سنين أو نحوها »

اما هنگامی که در این دو روایت تأمل و دقت می کنیم؛ درک می کنیم که اخذ کردن ظاهر این دو روایت و رد کردن ادله ثابت و قطعی مخالف با آنها؛ جنایت و ظلم در این علم و تحقیق بوده چرا که:

١- منفرد بودن عبد الرحمن بن أبي الزناد (١٠٠هـ - ١٧٤هـ) نسبت به تحدید و بیان کردن این تفاوت سنی می باشد در حالی که ادله سابق از چندین نفر ثقه و مورد اعتماد روایت شده بود که مخالف با این نقل می باشند و معلوم و مشهور است که کثرت تعدد مقدم بر اقلیت است.

۲- اکثر اهل علم عبد الرحمن بن أبي الزناد را تضعیف کرده اند! بیوگرافی او در کتاب مشهور ابن حجر یعنی: " تهذیب التهذیب " (۱۷۲/٦) چنین آمده است: امام احمد در مورد او می گوید: مضطرب الحدیث است و یحیی بن معین می فرماید: از کسانی نیست که اصحاب حدیث به او احتجاج کنند و علی بن المدینی می فرماید: آنچه که از اهل مدینه روایت کرده صحیح است اما آنچه که از اهل بغداد نقل کرده باشد غیر صحیح می باشد. ابوحاتم می گوید: احادیثش نوشته می شود اما به آنها احتجاج نمی شود و نسائی در مورد او می گوید: به احادیثش احتجاج نمی شود.

اما توثیق کردن او توسط امام ترمذی رحمه الله معارض و مخالف با تجریحی است که بیان کردیم و چنانچه مشهور است؛ جرح، مقدم بر تعدیل می باشد مخصوصاً زمانی که متفرد به عبد الرحمن بن أبي الزناد می باشد و همچنین مخالف با کتُب سنت و تاریخی نیز هست!

۳- کلام او در روایت ابن عبدالبر « أسماء بنت أبي بکر ، وکانت أکبر من عائشة بعشر سنین أو نحوها » صحیحتر از روایت ابن عساکر است چرا که نصر بن علي که از اصمعی نقل میکند (در سند ابن عبدالبر)؛ ثقه و حافظ است چنانکه در " تهذیب التهذیب " (۴۳۱/۱۰) آمده است، اما محمد بن أبي صفوان که او نیز از اصمعی نقل میکند (در سند ابن عساکر)؛ کسی او را توثیق نکرده است!

پس کلمه « أو نحوها » یعنی: « یا مانند آن » دلیلی است بر محفوظ نبودن ده سال اختلاف سنی اسماء و عایشه و همین نیز دلیل ضعف روایتش می شود و برای یک متحقق منصف جایز نیست ادله قطعی و ثابت سابق را با چنین روایاتی رد کند.

٤- سپس می گوییم: میتوان میان این روایات و روایات سابق توافق ایجاد کرد و گفت: تولد اسماء شش یا پنج سال قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده است و عایشه رضی الله عنها نیز چهار یا پنج سال بعد از بعثت متولد شده است. و هنگامی که اسماء در سال ۷۳ هجری وفات کرد؛ سن او ۹۱ یا ۹۲سال بوده است. چنانکه این را امام ذهبی رحمه الله در " سیر أعلام النبلاء " (٤۰۸/٤)

نقل میکند: ابن أبي الزناد گفته: اسماء ده سال از عایشه بزرگتر بوده است و می گویم (ذهبی): پس اگر چنین باشد؛ سن او ۹۱ سال بوده است و اما هشام بن عروة گفته: ۱۰۰ سال عُمر کرده است.

۵- چنانکه احتمال دارد گفته شود: اسماء ۱٤ سال قبل از بعثت متولد شده و سن او هنگام هجرت ۲۷ سال بوده است و سن او هنگام وفات عایشه یعنی سال ۷۳ هجری؛ ۱۰۰ سال بوده است. تا بتوان با قضیه ای که مصادر تاریخی بر آن اتفاق دارند توافق ایجاد کرد و آن این است که اسماء در سال ۷۳ هجری وفات کرد. یعنی همان سالی که عبدالله بن زبیر (پسرش) شهید شد. و سن او ۱۰۰ سال بوده است چنانکه هشام بن عروة از پدرش نقل کرده است.

مصادری که این قضیه را نقل کرده اند را ذکر می کنیم:

" حلية الأولياء " (٥٦/٢) ، " معجم الصحابة " ابو نعيم الأصبهاني ، " الاستيعاب " ابن عبد البر (١٧٨٣/٤)، " تاريخ دمشق " ابن عساكر (٨/٦٩)، " أسد الغابة " ابن الأثير (١٢/٧) ، " الإصابة " ابن حجر (٤٨٧/٧)، " تهذيب الكمال " (١٢٥/٣٥).

اما اینکه اسماء ده سال قبل از بعثت متولد شده است قول ابونعیم اصفهانی می باشد:

"كانت – يعني أسماء – أخت عائشة لأبيها ، وكانت أسن من عائشة ، ولدت قبل التأريخ بسبع وعشرين سنة ، وقبل مبعث النبي صلى الله عليه وسلم بعشر سنين ، وولدت ولأبيها الصديق يوم ولدت أحد وعشرون سنة ، توفيت أسماء سنة ثلاث وسبعين بمكة بعد قتل ابنها عبد الله بن الزبير بأيام ، ولها مائة سنة وقد ذهب بصرها " انتهى .

چنانچه مي بينيم گویی قصد ابونعیم این بوده که مدت زمان مکی ۱۷ سال بوده است که این قول بعضی از اهل سیره می باشد و ضعیف است. (بلکه مدت مکی ۱۳ سال بوده است).

والله أعلم.

۳- از جمله استدلالتی که برای باطل جلوه دادن احادیث صحیح در مورد این ازدواج به کار گرفته اند این است که:

«بر اساس روایات تاریخی در کتُب تاریخ و سیره مسلمان شدن اسماء و خواهرش عائشه با هم اتفاق افتاده و این دو از قدیمی ترین مسلمانان بوده‌اند چنانکه اسماء پس از ۱۷ نفر، و عائشه هم بعد از ۱۸ نفر مسلمان شده است. بنا بر روایات سیره، این دو به دعوت پدر خود ابوبکر مسلمان شده‌اند. با توجه به اینکه ابوبکر در سال اول بعثت مسلمان شده واین دو خواهر هم جزء ۲۰ نفر ابتدایی مسلمانان بوده‌اند اسلام آن‌ها در سالهای اول یا دوم بعثت رخ داده است»

در این مورد می گوییم:

اولاً: به اتفاق مورخین عایشه رضی الله عنها در سال ٤ یا ٥ بعد از بعثت متولد شدند پس همه اقوالی که دال بر اسلام آوردن ایشان همراه با اسماء و در یک زمان خاص می باشد صحیح نیستند.

ثانیاً: از عبارت « اسلمت بمكة قديما » (که برای اسماء به کار برده اند یعنی از ابتدای اسلام در مکه ایمان آورد) که ابن جوزی و ابن حجر آن را ذکر کرده اند؛ این را نمی توان فهم کرد که عایشه نیز همراه ایشان بوده است بلکه تنها ابن اسحاق و ابن هشام گفته اند: در آن هنگام او (عایشه) صغیر بود که منافاتی با ادله ما ندارد و بلکه عدم ذکر این موضوع از طرف محقیقینی مانند ابن حجر ، ابن جوزی ، ابن کثیر، بیهقی و ...دلیل بر بطلان آن دارد چرا که این امری بدیهی است که ایشان ٤ یا ٥ سال بعد از بعثت متولد شدند و روایت صحیح مخالف با این اقوال است.

همچنین؛ ذهبی در سیر اعلام نبلاء (۳/٤۲۹) می فرماید: « وعائشة ممن ولد في الإسلام، وهي أصغر من فاطمة بثمان سنين »

یعنی: عایشه جزو کسانی است که در زمان اسلام متولد شد و او هشت سال از فاطمه کوچک تر است. و در معرفی فاطمه رضی الله عنها می گوید: «مولدها قبل البعثة بقليل» (السیر ۳/ ٤۱۷)

یعنی: تولد او با فاصله کمی قبل از بعثت بود.

ابن اثیر رحمه الله در"أسد الغابة" (۷/ ۲۱٦) چنین می فرماید: پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از چهار ماه و نصف از ازدواج با عایشه؛ فاطمه را به عقد علی در آورد در حالی که فاطمه ۱۵ سال و ۵ ماه داشت. یعنی زفاف علی و فاطمه در سال دوم هجرت بوده و نمایانگر این است که تولد ایشان فاصله چندانی با بعثت پیامبر صلی الله علیه وسلم نداشته است چنانکه امام ذهبی و دیگران هم به آن اشاره داشته اند ذهبی می گوید: «مَوْلِدُهَا قَبْلَ المَبْعَثِ بِقَلِيْلٍ» سیر أعلام النبلاء (٤١٥/٣) ابن حجر هم این رای را ترجیح داده است. الإصابة في تمييز الصحابة (۲٦۳/۸)

از جمله ادله ای که نظر ما را تقویت می کند چنین است:

سوره مبارکه قمر سال ۱۰ یا ۱۱ نازل شده است وچون این سوره بعد از نزول سوره مبارکه نجم نازل شده (البته نه به ترتیب) و سوره نجم هم بحث معراج پیامبر صلی الله علیه وسلم را بیان می کند و معراج ایشان نیز در سال ۱۰ یا ۱۱ بعثت بوده است.

اگر قبول کنیم که این سوره در سال ۱۰ بعثت نازل شده و طبق کلام محققینی مانند ابن حجر رحمه الله عایشه رضی الله عنها در سال ٤ یا ۵ بعثت متولد شده باشد؛ سن ایشان هنگام نزول سوره قمر ۵-٦ سال بوده است. چنانکه در صحیح بخاری (۱٤۳/٦) می فرماید: " لَقَدْ أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِمَكَّةَ وَإِنِّي لَجَارِيَةٌ أَلْعَبُ، {بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَى وَأَمَرُّ} [القمر: ٤٦] "

یعنی: من کودکي خردسال بودم و بازي مي کردم که این آیه در مکه بر محمد – صلی الله علیه وسلم – نازل شد: { بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَى وَأَمَرُّ }

پس سال دوم هجری که ازدواج ایشان با پیامبر رخ داده؛ ۹ سال داشتند و سال ۱۱ ام که وفات پیامبر صلی الله علیه وسلم است؛ ایشان ۱۸ ساله بودند که دقیقا در احادیث صحیحین به آن اشاره شده است.

سوال اینجاست که چرا افرادی که احادیث صحیح آحاد و حتی مشهور را حجت نمی دانند؛ دست به دامان روایات تاریخی و سیره می شوند در حالی که چنانکه دیدیم؛ عاری از سند ثابت و مقبولی هستند؟!!!

با این وجود همه استدلالهایشان بر اساس ظن و گمان است چرا که ظن یک روایت بدون سندِ تاریخی؛ بسیار کمتر از ظنی است که یک حدیث متفق علیه در نهایت صحت سندی به آنها می دهد.

پس دلیل چیست که این افراد؛ چندین حدیث صحیح را رها کرده و به ظنیّات تاریخی متمسک می شوند در حالی که هیچگونه اسنادی برایشان وجود ندارد بجز قال و قیل؟!!

در ادامه به این مطالب نیز دقت کنید:

در سایت موسسه «پالو آلتو» ذکر شده است.

متوسط سن بلوغ در دختران بین ١٠ تا ١١ سال است.

http://www.pamf.org/parenting-teens/health/growth-development/pre-growth.html

البته در سایت میدیکال نیوز تودی ذکر شده است که سن بلوغ در دختران بین ٩ تا ١٤ سال متفاوت است

http://www.medicalnewstoday.com/articles/١٥٦٤٥١.php

البته این سن با توجه با شرایط تغذیه ای کم تر هم می شود به عنوان مثال در سایت علمی و معتبر نیو ساینس ذکر شده است که با مواردی مثل کمی اظافه وزن می تواند سن بلوغ را تا ٩ سال هم کاهش دهد.

http://www.newscientist.com/article/dn۱۱۳۰۷-childhood-obesity-

brings-early-puberty-for-girls.html

در مجله تایمز داستان دخترانی را ذکر می کند که در سن های ۸ سالگی و ۹ سالگی به بلوغ رسیده اند.

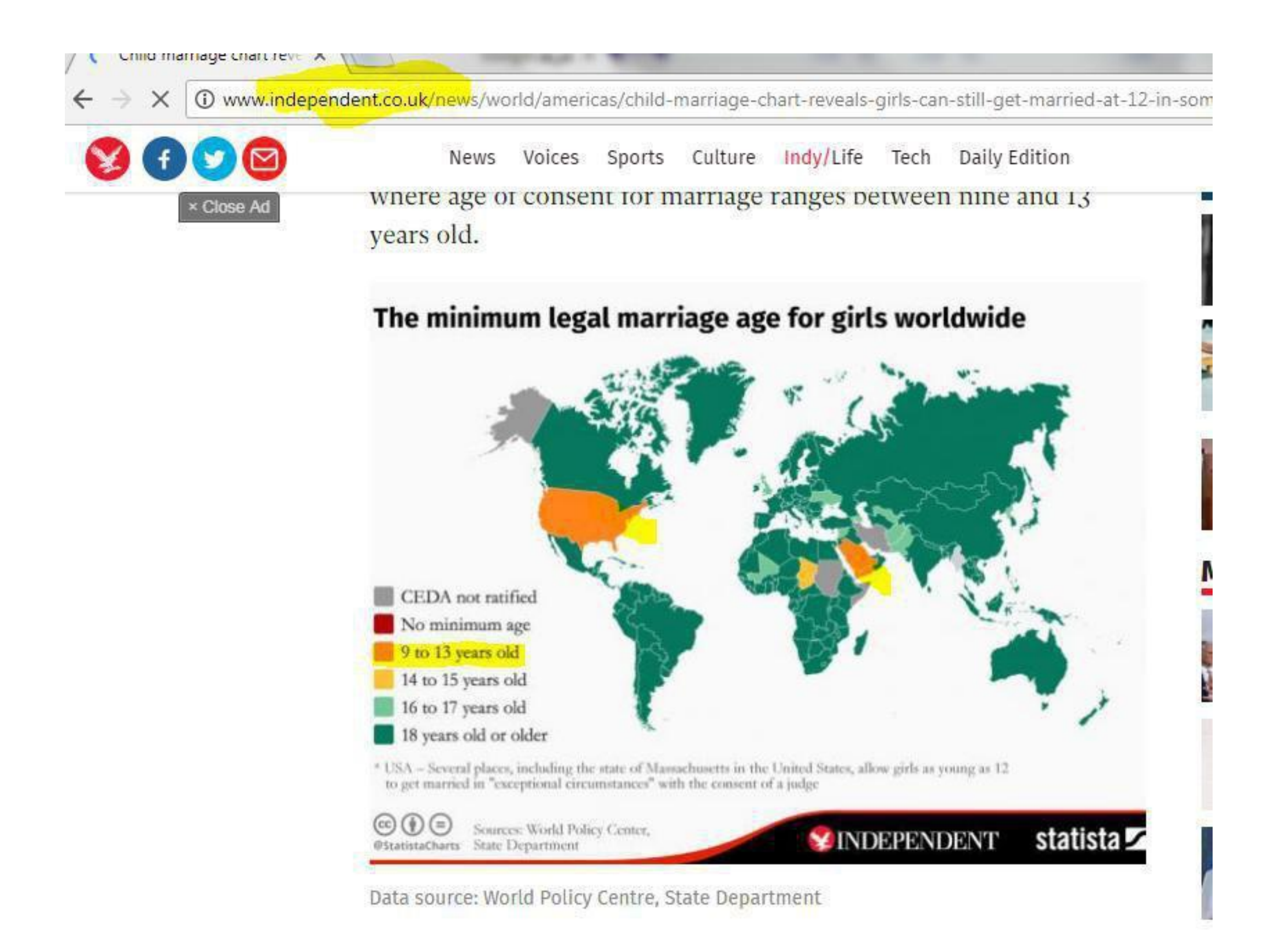
http://content.time.com/time/magazine/article/۰,۹۱۷۱,۱۱۰۱۰۰۱۰۳۰

-۵۸۳۸۸,۰۰.html

سایت گاردین ذکر می کند که دختران سفید پوست در سن ۹,۹ سالگی به سن بلوغ می رسند ولی دختران سبز در سن ۸,۸ سال به سن بلوغ می رسند.

https://www.theguardian.com/society/۲۰۱۲/oct/۲۱/puberty-

adolescence-childhood-onset



تصویر بالا نشان می دهد که در دنیایی امروزی در دو کشور، دختران زیر ۱۳ سال حق ازدواج قانونی دارند یکی در عربستان و دیگری در ایالت متحده آمریکا (برگرفته از سایت ایندیپدنت).

پس در این نوشته:

اولاً: ثابت شد که احادیث صحیح زیادی در تأیید سن عایشه رضی الله عنها (۹ سالگی) هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه وسلم وجود دارد که هیچ جای شکی در ضعف آنها نیست.

ثانیاً: در آن زمان هیچ مشرک کینه توزی به پیامبر صلی الله علیه وسلم ایراد نگرفت و به ایشان طعنه نزد که چرا با دختری صغیر ازدواج کرده است چون اشکالی در آن نمی دیدند!

ثالثاً: به شبهات مغرضین و منکرین، پاسخ داده شد و بیان شد که همه آن شبهات بی اساس و ظن و گمان است.

رابعاً: در دنیای امروز هم کشورهایی هستند که اجازه داده اند دختران در چنین سنی ازدواج کنند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

آرمان کریمی

۳ اردیبهشت ۱۳۹۷